



## درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده تسامح در ادله سنن  
موضوع جزئی: قلمرو قاعده- جهت پنجم: شمول اخبار من بلغ نسبت به فضایل و مناقب و مصائب

تاریخ: ۲۹ دی ۱۳۹۴  
مصادف با: ۸ ربیع الثانی ۱۴۳۷  
جلسه: ۲۵

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

### جهت پنجم: شمول اخبار من بلغ نسبت به فضایل و مناقب، مصائب، مساجد و مراقد و مواعظ

در جهت پنجم سخن از شمول اخبار من بلغ نسبت به اخبار ضعیف دال بر فضایل و مناقب و مصائب، همچنین مساجد و مراقد و مواعظ است، یعنی سه دسته موضوعات که به وسیله اخبار ضعیف بیان شده باشند.

دسته اول: مثلاً خبر ضعیفی دال بر فضیلت یک نبی یا ولی وارد شده باشد، یا خبر ضعیفی دال بر یک مصیبت نسبت به نبی یا ولی یا اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده باشد.

دسته دوم: مثلاً خبر ضعیفی وارد شده باشد بر اینکه در فلان مکان امام یا امام زاده ای مدفون است، فرض کنید خبر ضعیف گفته باشد قبر عبد العظیم حسنی در ری می باشد، یا مدفن احمد بن موسی در شیراز است، یعنی به طور کلی یک مکانی را به عنوان مرقد ولی و امام یا امام زاده بیان کرده است، یا خبری ضعیف برسد مبنی بر اینکه فلان مکان مسجد است.

دسته سوم: مثلاً یک خبر ضعیفی دال بر یک موعظه ای باشد و یک حکم اخلاقی را بیان کرده باشد.

ما می خواهیم ببینیم آیا اخبار من بلغ شامل این سه دسته از اخبار ضعیف می شود یا نه؟ خبری که فضیلت و منقبت و مصیبتی را برای ولی یا نبی خدا نقل کرده است یا خبری دال بر این باشد که مکانی مسجد یا مرقد است یا خبری که مشتمل بر مواعظ و نصایح اخلاقی است.

### اقوال

در اینجا مانند جهات سابق دو قول وجود دارد: به مشهور نسبت داده شده که قائل به شمول است، شهید ثانی در درایة این نظر را به اکثر فقها نسبت داده است.<sup>۱</sup>

مرحوم آشتیانی در بحر الفوائد هم از مرحوم شیخ این نظر را حکایت کرده است.<sup>۲</sup>

خود شیخ در رساله تسامح، که در ضمن رسائل فقهیه چاپ شده است، تصریح به همین نظر کرده اند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>. درایة، ص ۲۹.

<sup>۲</sup>. بحر الفوائد (چاپ قدیم)، ج ۲، ص ۷۱.

<sup>۳</sup>. رسائل الفقهیه، ص ۱۵۸.

در مقابل بعضی رأساً شمول نسبت به این موارد را انکار کرده و برخی هم تفصیل داده اند، که توضیح خواهیم داد که این تفصیل چگونه است.

### **دلیل بر شمول**

کسانی که قائل به شمول اخبار من بلغ نسبت به همه این موارد هستند، برای مدعای خودشان دلیلی را ذکر کرده اند که فی الواقع مشتمل بر سه مقدمه است و از این سه مقدمه نتیجه گرفته اند شمول اخبار من بلغ را نسبت به فضایل و مناقب و بقیه موارد.

### **مقدمه اول**

اینکه موضوع این اخبار ضعیف با موضوع اخبار من بلغ به حسب ظاهر متفاوت است، موضوع اخبار من بلغ عمل به چیزی است که «بلغ علیه الثواب»، چون می‌گوید: «من بلغه شیء من الثواب فعمله کان له کذا» پس محور و مدار در اخبار من بلغ عمل است، یک کاری باید انجام شود تا ثوابی داده شود، اما این اخبار ضعیف که محل بحث ما هستند در مورد موضوعات خارجی است، فضیلت امام، منقبت امام، مصیبتی که به یک امام وارد شده یا اینکه فلان مکان مرقد یا مسجد است، یا حتی موعظه، حال در موعظه کمتر، ولی همه اینها یک موضوع خارجی است.

در این اخبار مدار بر عمل نیست بلکه بر موضوعات خارجی است.

بنابر این مدلول مطابقی این اخبار به هر حال ارتباطی با موضوع اخبار من بلغ ندارد، پس باید یک راهی پیدا کنیم برای اینکه موضوع این اخبار ضعیف را به گونه ای مشمول موضوع اخبار من بلغ کنیم.

### **مقدمه دوم**

عمل در مورد هر چیزی به حسب خود آن چیز است، عمل در مواردی که ثوابی بر آن بالغ می‌شد، معنای آن معلوم بود آنجا خودش عمل بود، اما عمل لزوماً در مورد همه چیز به یک معنا نیست، عمل نسبت به هر چیزی به حسب خود آن چیز است، مثلاً عمل در مورد روایت ضعیفی که مشتمل بر بیان فضیلتی برای ائمه (علیهم السلام) است، نشر آن و محبت به ائمه (علیهم السلام) به تبع این خبر است، یعنی این فضیلت انتشار داده شود و موجب جلب محبت به اهل بیت شود، یا عمل در مورد روایت ضعیف مربوط به مصائب ائمه علیهم السلام، نشر آن یا گریاندن و گریستن در آن مصیبتها است، عمل در مورد روایت ضعیفی که مشتمل بر بیان این مطلب است که فلان مکان مرقد یک امام است، حضور در آن مکان و زیارت آن مکان است، یا عمل به روایت ضعیفی که معرف این است که فلان مکان مسجد است، حضور در آن مسجد و مثلاً خواندن نماز است، پس در مورد هر چیزی عمل به حسب همان چیز است.

### **مقدمه سوم**

اخبار از موضوع بما هو موضوع در محیط قانون گذاری و محیط تشریح توسط قانون گذار اهمیتی ندارد. اگر در محیط شرع خبر از یک موضوعی داده می‌شود، «لایراد به الا العمل المتعلق بالموضوع»، و إلا اینکه ما بگوییم صرفاً خبر می‌دهد از یک فضیلتی و عمل مرتبط با آن فضیلت، مد نظر نباشد، این اصلاً معنا ندارد، این که قانون گذار خبر دهد که

فلان مکان مرقد یک امام است و در حد یک مورخ و تاریخ نویس گزارش کند، فائده ای ندارد. معلوم است که مقصود صرف ارائه یک گزارش و خبر نیست، بلکه «لایراد بهذه الاخبار إلا العمل المتعلق بموضوع الخبر». آنگاه اخبار از موضوعات، اخبار از استحباب عمل متعلق به آن موضوع است.

#### نتیجه

اگر اخبار از موضوع «بما هو موضوع» مد نظر نیست، و اخبار از موضوع «بما أن الاثر المترتب علی الموضوع» یا عملی که به این موضوع مربوط است مد نظر است، نتیجه این است که: اخبار من بلغ به لحاظ مدلول التزامی این اخبار شامل اخبار ضعیف دال بر یک موضوع خارجی که عمل مرتبط با آن اراده شده است می‌شوند، حال این عمل می‌تواند خودش از جنس عمل باشد، می‌تواند از جنس قول باشد. مثلاً وقتی خبر ضعیفی مبتنی بر اینکه این مکان مرقد یک امام است می‌رسد، عمل مرتبط با این موضوع این است که شما در آن مکان حضور پیدا کنید، حضور پیدا کردن یک فعل و عمل و کار است، اما وقتی خبر ضعیفی دال بر فضیلت یک امامی می‌رسد، اینجا عمل مرتبط با این موضوع از جنس قول است، چون اینجا بحث از گفتن این فضیلت برای دیگران است، پس عمل مرتبط با این موضوعات خارجی که نام بردیم، تارة خودش از جنس قول است، و آخری از جنس فعل است.

بنابر این، همانطور که اخبار من بلغ دلالت می‌کند بر استحباب عملی که خبر ضعیفی استحباب آن یا ثواب آن را ثابت کرده است، هر خبر ضعیفی هم که وارد شود و مشتمل بر یک موضوعی باشد که عمل یا قولی به آن مرتبط است، اخبار من بلغ آن را در بر می‌گیرد و آن عمل را، یا مستحب می‌کند یا دارای ثواب می‌کند، و نیز آن قول را مستحب می‌کند یا دارای ثواب می‌کند، بر این اساس اگر خبر ضعیفی دال بر فضیلت یک امامی رسید، به استناد اخبار من بلغ نفس نشر این فضیلت ثواب دارد یا مستحب است، اگر خبر ضعیفی رسید که فلان مکان مرقد یک امام است، حضور و زیارت آن مکان دارای ثواب می‌شود یا عنوان استحباب پیدا می‌کند، این بستگی به اختلافی دارد که در مفاد اخبار من بلغ وجود دارد.

به هر حال تقریر و تبیین دلیل در هر یک از این جهات پنجگانه تابع مبنایی است که در باب مفاد اخبار من بلغ اختیار می‌کنیم، اگر در آنجا بگوییم استحباب ثابت می‌شود، قهراً در این موردی هم که می‌خواهیم شمول آن را ثابت کنیم، اینجا هم باید استحباب را استفاده کنیم، اگر در آنجا می‌خواهیم حجیت استفاده کنیم، قهراً در این خبر ضعیف هم باید ملتزم به حجیت خبر ضعیف شویم.

پس اخبار من بلغ شامل اخبار دال بر فضایل و مناقب و مصائب و مساجد و مراقد و مواعظ می‌شود.

طبق این دلیل اخبار من بلغ شامل این اخبار ضعیف می‌شود، اما نه مدلول مطابقی این اخبار، بلکه مدلول التزامی این اخبار. لذا دلالت التزامی در اخبار من بلغ نیست، دلالت اخبار من بلغ روشن است، اصلاً مدلول مطابقی اخبار من بلغ فقط اخبار از ثواب است، استحباب و حجیت هیچکدام مدلول مطابقی اخبار من بلغ نمی‌باشد.

## بررسی دلیل

لازم است بحث کنیم که آیا اخبار من بلغ به این اعتبار شامل اخبار از این موضوعات می‌شود یا نه؟

(الف) بررسی شمول در صورتی که عمل مرتبط با موضوع، از جنس عمل باشد.

اخبار از موضوعات در صورتی که آنچه مرتبط با این موضوع است از جنس عمل باشد، ظاهراً مشکلی ندارد، یعنی اخبار من بلغ می‌گوید، «من بلغه شیء من الثواب، فعمله» مدار در اخبار من بلغ بر عمل مترتب بر «بلوغ الثواب» است، حال چه عنوان استحباب پیدا کند چه عنوان ثواب بر آن مترتب شود، اینجا هم اگر خبر ضعیفی مثلاً وارد شد مبنی بر اینکه فلان مکان مرقد یک امام است، و ما گفتیم این فی الواقع مبین عمل مرتبط با آن یعنی حضور است، مانعی از شمول اخبار من بلغ نسبت به این نیست. چون اگر خبر ضعیفی دال بر اینکه این مکان مرقد است برسد، این بالملازمه دلالت می‌کند بر اینکه حضور در این مکان پیدا کنید، و زیارت کنید، یعنی کأن می‌گوید «زُر هذا المكان»، پس خبر ضعیف اگر بجای اینکه بگوید این مکان مرقد یک امام است، میگفت اینجا را زیارت کنید، آیا این مصداق اخبار من بلغ بود یا نبود؟

(جایی که علم وجدانی به کذب داریم اصلاً از بحث ما خارج است، بحث این است که یک خبر ضعیفی وارد شده است)، اگر خبر ضعیفی وارد شد مبنی بر این که فلان مکان مرقد یک امام است، مثل آن است که یک خبر ضعیفی وارد شده بر زیارت مرقد آن امام و حضور در آن مکان، بنابر این شمول اخبار من بلغ در اینجا مشکلی ندارد. پس ظاهراً اخبار من بلغ، خبر ضعیف دال بر اینکه فلان مکان مسجد یا مرقد است، را می‌شود، چون به طور کلی آن عمل مرتبط با موضوع، خودش از جنس یک فعل و عمل است.

إنما الکلام در جایی که عمل مرتبط با موضوع خارجی از جنس قول باشد. مثلاً خبر ضعیفی دال بر فضیلت یک امام وارد شود.

به هر حال در صورتی که خبر ضعیف دال بر این باشد فلان مکان مسجد است یا مرقد، بر مبنای مشهور اگر قائل به این باشیم که اخبار من بلغ دال بر استحباب به عنوان اولی است، قهراً در اینجا هم استحباب استفاده می‌شود، اگر کسی در آن مقام در اخبار من بلغ قائل شد، حجیت استفاده می‌شود، قهراً اینجا خبر ضعیف دال بر اینکه این مکان مسجد می‌باشد هم حجت می‌شود، ما که قائل بودیم آن اخبار دلالت بر اخبار از ثواب تفضلاً می‌کند، قهراً در اینجا هم، همین را می‌گوییم، نهایت چیزی که از خبر ضعیف بدست می‌آید این است که بالاخره خبر می‌دهد از یک ثوابی تفضلاً از این زیارت، لذا شمول آن در این بخش مشکلی ندارد.

اشکال به مقدمه سوم

مگر اینکه کسی در اصل مدلول التزامی این اخبار ضعیف تردید کند، یعنی تنها جایی که می‌شود اشکال کرد اینجا می‌باشد، یعنی از آن مقدماتی که گفته شد، این مقدمه می‌تواند محل اشکال واقع شود، مثلاً کسی بگوید: چه ضرورتی

دارد که بگوییم اخبار ضعیف دال بر یک موضوع خارجی و خبر دهنده از یک موضوع خارجی، این حتماً به نوعی مرتبط با عمل به آن است. یعنی اینکه در محیط تشریح همیشه ما قضایا و گزاره های شرعی را حمل بر چیزی کنیم که به عمل مربوط باشد تا وجهه قانونی پیدا کند، این ضرورتی ندارد، اگر کسی در این اشکال کند، قهراً نمی تواند این شمول را روی هیچ مبنایی بپذیرد، چون تقریباً مهمترین رکن این دلیل همین مقدمه است، و إلا اینکه این اخبار، اخبار از یک موضوع خارجی می کنند و لذا فی نفسه نمی تواند مشمول اخبار من بلغ باشد تردیدی نیست، در اینکه عمل هر چیزی به حسب آن است، این هم جایی برای اشکال ندارد، تنها موضعی که می تواند محل اشکال واقع شود، مقدمه سوم است.

در مقدمه سوم تنها اشکالی که می شود کرد این است که: به چه دلیل ادعا می کنید، اخبار از موضوع خارجی در محیط قانون گذاری «لا یراد به إلا العمل المتعلق بموضوعه»، آیا این اشکال دارد؟

پاسخ

بنظر می رسد این مقدمه مشکلی ندارد، تنها یک مطلب می توان گفت و آن اینکه، مانعی ندارد فی نفسه شارع در یک جایی اخبار از یک موضوع خارجی کند، این ثبوتاً ممکن است، مثلاً امام علیه السلام در جایی خبر دهد از یک قضیه ای، ولی قاعده در کلمات شارع، پیامبر و ائمه (علیهم السلام) این است که اینها قانون است، و اگر شک کنیم در اینکه این در مقام جعل و تشریح است و قانون بیان می کند یا صرفاً اخبار از یک موضوع خارجی می کند، باید حمل بر این کنیم که این قانون است، مثل اینکه در یک روایتی که از امام رسیده، بخواهیم آن را حمل بر یک قضیه شخصیه خارجی کنیم، اگر بخواهیم آن روایت را حمل بر خارجیت و شخصیت کنیم این نیاز به قرینه دارد، اگر قرینه نباشد و ما شک داشته باشیم در اینکه این قضیه خارجی است یا حقیقیه، ظاهر حال این است که این قضیه حقیقیه است. بنابراین به نظر می رسد که در بخش اول مشکلی در شمول اخبار من بلغ نسبت به خبر ضعیفی که اعلام می کند فلان مکان مسجد یا مرقد است وجود ندارد.

### بحث جلسه آینده

إنما الکلام در آن سه نوع دیگر، اخبار از فضائل و مناقب و مصیبات، اینجا جای بحث دارد، محقق اصفهانی در نهایت الدرایة یک مطلبی دارد<sup>۱</sup> که مطالعه بفرمایید تا ببینیم که شمول آن نسبت به این بخش چگونه است.

«والحمد لله رب العالمین»

<sup>۱</sup>. نهایت الدرایة، ج ۴، ص ۱۹۲.